

نوجوانان رادست کم نگیریم



همه چیز از همان روزی تغییر کرد که شارلوت از مدرسه به خانه برگشت و هرچه زنگ زد بی‌فایده بود. هیچ‌کس در را باز نمی‌کرد. شارلوت اولش عصبانی شد و با خودش گفت: «این یک کار که از مامان برمی‌آید.» همین‌که وقتی او از مدرسه برمی‌گردد، خانه باشد و در را برایش باز کند. اما وقتی خانم همسایه به سویش آمد همه چیز عوض شد.

از اولش همه چیز این‌طور نبود. پیش از آن، شارلوت و مامان با هم برنامه‌های مختلفی داشتند. با هم شاد بودند و می‌خندیدند؛ آن روزهای دور که هنوز به این خانه نیامده بودند. بعد یک دفعه نگاه مامان به دنیا تغییر کرد. احساس کرد زندگی کافی نیست. فکر کرد باید کارهای تازه‌ای انجام بدهد تا اوضاع را تغییر بدهد. البته تغییرات به ظاهر بد نبودند. مامان به دانشگاه رفت و درس را ادامه داد. اما این همه تغییر نبود. بعدش مامان مریض شد. مریضی باعث شد در خانه بیاند و دست و دلش به هیچ‌کاری نرود. حتی دیگر نمی‌توانست کارهای عادی خانه را انجام بدهد. هم‌کلاسی‌های شارلوت می‌گفتند این جور بیماری‌ها ارثی است و او هم روزی به آن دچار می‌شود. اما شارلوت نمی‌خواست چنین بیماری بگیرد.

شارلوت نمی‌دانست بیماری مادرش چیست. خب، به خاطر این بود که بزرگ ترها هیچ‌وقت به بچه‌ها چیزی نمی‌گویند. همیشه طوری رفتار می‌کنند که انگار از دست بچه‌ها هیچ‌کاری ساخته نیست. و بدتر از آن، وانمود می‌کنند مشکلی که پیش آمده، کوچک و پیش‌پا افتاده است. اما بیماری مادر، هرچه بود، پیش‌پا افتاده نبود. شارلوت باید کاری می‌کرد. نباید اجازه می‌داد که بزرگ‌ترها همچنان او را کنار نگه دارند و بیهوده بگویند: «نگران نباش عزیزم، همه چیز درست می‌شود.» بابا برای مقابله کردن با این مشکل دست‌تنها بود. خب، شارلوت هم آن‌قدر بزرگ بود که بتواند کیک‌کی کند. شاید حتی می‌توانست همه مشکلات را خودش حل کند.

«با بچه‌ها که کسی حرف نمی‌زند»

داستانی سرشار از تلاش و امید است. داستانی برای جنگیدن با مشکلات و پیروز شدن بر آن‌ها. شارلوت نشان می‌دهد چگونه بچه‌ها می‌توانند مشکلات را مدیریت کنند و اوضاع را سر و سامان بدهند؛ با کارهای به ظاهر کوچک اما مهم و اساسی. شارلوت در جریان بیماری و مشکلاتی که وجود دارد تغییر می‌کند. او یاد می‌گیرد و نگاهش وسیع می‌شود. همه پستی‌ها و بلندی‌هایی که در این ماجرا اتفاق می‌افتند، باعث می‌شوند شارلوت به یک نوجوان محکم و مستقل تبدیل شود.

خوب است بدانید نویسنده این داستان، کریستین بویه، تا به حال بیش از ۸۰ کتاب برای نوجوانان نوشته و برای کتاب‌هایش جایزه‌هایی مانند: کتاب سال آلمان و ادبیات اتریش را دریافت کرده است.

با بچه‌ها که کسی حرف نمی‌زند

نویسنده: کریستین بویه
مترجم: کتابون سلطانی
ناشر: کتاب چ (واحد کودک و نوجوان
نشر چشمه)
تعداد صفحه: ۷۷
سال انتشار: ۱۳۹۷